

## گزارش سیاسی

مجید مهران\*

آقای مجید مهران، یکی از دیپلماتهای قدیمی، در تاریخ چهارشنبه ۶ تیر ۱۳۸۶ ش. / ۲۷ ژوئن ۲۰۰۷ م.، در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ساعت ۱۰ صبح در جمع شماری از سفیران سابق و پژوهندگان تاریخ معاصر ایران و تعدادی از کارمندان و رؤیسان پیشین سازمان اسناد، در خصوص طرز گزارش سیاسی تهیه کردن سفیران ایران در خارج از کشور، بیاناتی ایراد کرد که خلاصه‌ای از آن، برای خوانندگان گرامی فصلنامه تحقیقات تاریخی و مطالعات آرشیوی گنجینه اسناد، ذیلاً نقل می‌شود. سخنران، در ابتدا اشاره کرد که پس از انعقاد کنگره وین در ۱۸۱۵ م. / ۱۲۳۰ ق. - که در خصوص نحوه درخواست پذیرش (آگرمان) برای نمایندگان سیاسی دول مختلف و ترتیب تقدم و تأخر آنها تشکیل شده بود - در ۱۸۲۱ م. / ۱۲۳۶ ق. تصمیمات این کنگره در زمان فتحعلی شاه قاجار به دولت ایران ابلاغ گردید و شاه قاجار، دستور تأسیس وزارت امور خارجه را در ۱۲۳۶ ق. / اکتبر ۱۸۲۱ م. صادر کرد.

میرزا عبدالوهاب خان نشاط، به سمت اولین

وزیر امور خارجه منصوب شد و بعداً سعید انصاری (مؤتمن‌الملک) جد بزرگ خاندان مسعود انصاری و میرفندرسکی، مدت سی سال وزیر خارجه بود. البته باید توجه داشت که در آن زمان، وزارت امور خارجه مستقل نبود و از ادارات تابعه صدراعظم وقت شمرده می‌شد؛ تا اینکه در اواسط سلطنت ناصرالدین شاه استقلال پیدا کرد و از حوزه ادارات تابعه صدراعظم خارج شد. بنابراین، قریب ۱۹۶ سال از تأسیس وزارت امور خارجه می‌گذرد و باید اذعان کرد که از قدیم‌ترین سازمانهای دولتی ایران است.

از وظایف مهم سفرا، تهیه گزارش سیاسی است. یکی از وظایف مهم سفرا در دوران مأموریت، تهیه گزارش سیاسی و تجزیه و تحلیل وقایع مهم حوزه مأموریت و گاهی بررسی رویدادهای جهانی است؛ تا وزارت امور خارجه، از جریانات سیاسی عالم بخوبی آگاه گردد.

برای اولین بار در زمانی که مرحوم مصطفی عدل منصورالسلطنه کفیل وزارت امور خارجه بود، متحدالمال (بخشنامه) به کلیه نمایندگان سیاسی ایران در خارج از کشور ابلاغ کرد تا علاوه بر گزارشهای عادی حوزه مأموریت خود، ماهی یک بار از رویدادهای مهم کشوری که در آن خدمت می‌کنند، نه تنها گزارش تهیه نمایند، بلکه وقایع را تجزیه و تحلیل کنند. و متعاقب او، در ۱۳۱۷ ش. / ۱۹۳۸ م. مظفر اعلم (سردار انتصار-

\* کارشناس علوم سیاسی و سفیر سابق ایران در بحرین.

که وزیر امور خارجه شد - بخشنامه دیگری در این زمینه فرستاد و حتی تأکید کرد که در صورت قصور و نفرستادن گزارش، مأموران توییح کتبی خواهند شد و در پرونده استخدامیشان منعکس می‌شود.

آخرین بخشنامه‌ای که در این زمینه مشاهده کردم، مربوط به دوران وزارت عباس آرام می‌شود که حتی با آوردن مثالهای متعدد، همکاران را تذکر داده که ذکر وقایع عادی، گزارش سیاسی نیست و با مقامات محلی خصوصاً وزیران خارجه و معاونین آنها و سفرا و وزیران مختار و روزنامه‌نگاران حشر و نشر داشته باشند تا اخبار دست اول کسب نمایند.

جملاتی از قبیل «به قرار شایعات تأیید نشده» و یا «به طوری که از منبع موثقی شنیده‌ام» و از این قبیل جملات، نباید در گزارش سیاسی آورده شود، بلکه منبعی که خبر را داده، معرفی کنند و چنانچه او توصیه کرده است از ذکر نام خودداری شود، مرکز را آگاه نمایند که نباید نام منبع خبر را ببرند و الا دیگر از گفتن حقایق خودداری خواهد کرد؛ و اگر از مطالب روزنامه‌ها نقل می‌نمایند، باید در اطراف صحت مندرجات آن روزنامه و یا مجله، تحقیقات کافی به عمل آورند و مخصوصاً ذکر نمایند که مقامات محلی به مندرجات آن جریده چقدر اهمیت می‌دهند یا صرفاً برای پر کردن ستون روزنامه، راست و دروغ مطالبی را منتشر می‌کنند. و طبیعی است سفیر یا وابسته مطبوعاتی - که حتماً باید عضو کانون روزنامه‌نگاران باشد - با طرح دوستی با

خبرنگاران و مدیران روزنامه‌ها از زبان آنها حقیقت را بشنوند و شاید به ملاحظاتی، مطلبی را ننویسد، اما بداند که حقیقت امر چیست؟

برای تهیه گزارش سیاسی و یا رفتار سفرا در برابر دستورات واصله از وزارت امور خارجه، دو دسته از قدیم‌الایام مقابل یکدیگر ایستاده‌اند:

۱- عده‌ای از دیپلماتها، معتقدند که سفیر در بین دولت متبوع و مقامات محلی، فقط حکم رابط را دارد و او تنها مجری سیاست خارجی کشور است که قبلاً اعلام شده است. بنابراین، کافی است دستورات دولت متبوع را بدون کوچک‌ترین اظهارنظر به مقامات محلی ابلاغ کند و هرگونه پاسخی دادند، همان را عیناً به مرکز منعکس نماید.

۲- برخلاف این گروه، سفرائی هستند که باتوجه به تجربیات دیپلماتیک که اندوخته‌اند و شخصیت برجسته سیاسی که کسب کرده‌اند، برای سفیر ارزش والاتری قائل می‌باشند و معتقدند که فرضاً ارسال یادداشت به مقامات محلی طبق نظر و دستور واصله، مغایر مصالح کشور است و پیامدهای نامطلوبی دارد و باید احتمال بدهد که این یادداشت به روابط دوستانه دولتی لطمه وارد نخواهد آورد و شاید به قطع رابطه سیاسی بینجامد. حداقل باید مراتب را به وزارت امور خارجه تذکر دهد که ابلاغ دستور واصله، چه عواقب سوئی خواهد داشت و در صورتی که وزارت امور خارجه در نظر خود اصرار ورزد، آن وقت طبق دستور رفتار کند و چنانچه آدمی اصولی است و پایبند حیثیت خود است، از سمت خود استعفا کند. اما با کمال تأسف، هیچ به خاطر

ندارم سفرا بابت این قبیل مسائل استعفا کرده باشند و همواره حفظ مقام را ترجیح داده‌اند. طبق اسناد سیاسی موجود، سفرائی نظیر



محمد علی فروغی (ذکاء الملک)

محمد علی فروغی (ذکاء الملک) و یا سید حسن تقی‌زاده و حسین علا، نه تنها دستور مغایر منافع و مصالح کشور را اجرا نمی‌کردند، بلکه پا را فراتر نهاده، مقامات دولت متبوع را راهنمایی می‌کردند. مثلاً در وقایع شوم آذربایجان - که شورویها حاضر به تخلیه ایران از نیروهای خود نبودند، و با زور و ارباب می‌خواستند دولت پوشالی پیشه‌وری را حمایت کنند - تقی‌زاده براساس نامه‌هایی که از او باقی مانده است، به قوام‌السلطنه، نخست وزیر وقت نصیحت می‌کند و قریب به این مضمون می‌نویسد: «حال که

صلاح مملکت را در این دیده‌اید که به سوی امریکا گرایش پیدا کنید و در برابر نفوذ استعماری روس و انگلیس - که اغراضی دارند - تمایل به طرف امریکای بی طرف که ادعای ارضی نسبت به ایران ندارد، عاقلانه‌تر است، اما خطر عظیم نفوذ صهیونیزم را در امریکا و خصوصاً در میان اعضای کنگره آن کشور - [که] نمایندگان بانفوذی دارند - فراموش نکنید.» و یا در گزارشی اشاره می‌کند، در این اوضاع بحرانی، دولت شوروی را با رفتارهای خشن نباید عصبانی نمود، بلکه سیاست نرمش و مماشات را باید رعایت کنیم و باید در نظر داشت نخست وزیری چون قوام‌السلطنه - که در برابر شاه ایستادگی می‌کرد و غرور خاصی داشت - از راهنمائیهای تقی‌زاده نمی‌رنجید. چون می‌دانست از روی حسن نیت آن مطالب را نوشته است و یا بعلاوه سفیر دائم ایران در سازمان ملل متحد، با اینکه به هیچ قیمتی حاضر نشد شکایت ایران را از دستور شوروی امنیت خارج کند، در پایان غائله، قوام دستور داد که مبلغ ده هزار دلار به عنوان پاداش برای او حواله کنند و این مرد میهن پرست، جواب داد: من، برای پول از وطن دفاع نکردم و آن پاداش را بین همکاران در سفارت ایران در واشنگتن تقسیم کرد. بنابراین، چنین سفرائی نه تنها متمرّد نیستند، بلکه صلاح دولت را در محل مأموریت بهتر تشخیص می‌دهند. سخنران، برای نمونه به گزارشهای امیر نظام گروسی، وزیر مختار ایران در پاریس و اگر دیته در لندن و حسن پیرنیا (مشیرالدوله) و



مشیرالدوله پیرنیا

ایران مطرح شود و آن واقعه شوم مسجد گوهرشاد در مشهد رخ دهد، با اینکه مربوط به حوزه مأموریت او نمی‌شده است، با قلمی شیوا، علل عزل امان‌الله خان، پادشاه افغانستان را بخوبی توضیح می‌دهد و اشاره می‌نماید، تحولاتی را که او می‌خواست در جامعه عقب‌مانده افغانستان به وجود آورد، از جمله برداشتن حجاب بانوان و قبل از همه، ملکه ثریا را مجبور کرد سر برهنه در انظار ظاهر شود، بدون توجه به خصوصیات اخلاقی جامعه دینی افغانی و تعصبات مذهبی آنها. نتیجه آن شد که مردم علیه او شورش کردند و او مجبور شد از سلطنت کناره‌گیری کند و سالهای پایانی عمر را در ایتالیا بگذراند. همچنین فروغی به طور غیرمستقیم به رضاشاه دیکتاتور، هشدار داده است که دست به چنین اقدامات نسنجیده نزند و عاقبت امان‌الله خان را در نظر بگیرد.

سالها بعد در زمان نخست‌وزری همین فروغی، رضاشاه به فکر کشف حجاب افتاد و دستور صادر کرد به سوی مردمی که در مسجد گوهرشاد اجتماع کرده بودند، تیراندازی شود و شاید چندین هزار نفر در این واقعه دردناک کشته شدند و اسدی، نایب‌التولیه آستان قدس، پس از یک محاکمه عجولانه به اعدام محکوم شد و چون پدر داماد فروغی بود، فروغی نیز از سمت نخست‌وزیری عزل گردید و تا شهریور ۱۳۲۰ش. / اوت ۱۹۴۱م. خانه‌نشین بود.

اما عملاً این گوشه‌گیری از سیاست، موجب شد فروغی با همکاری مرحوم حبیب یغمائی، چندین اثر نفیس ادبی ایران نظیر کلیات سعدی و

ذکاءالملک فروغی از آنکارا اشاره می‌کند که با چه دقتی گزارش می‌دادند و حتی گاهی امیرنظام، ناصرالدین شاه را نصیحت هم می‌نموده است که آن راهی که رفته، به صلاح ملک و ملت نیست و درباره گزارشهای فروغی از آنکارا، یادآور می‌شود که اولاً چقدر جملات گزارشهای او، سلیس و روان بوده است و حتی کلمات عامیانه را مثل «سر خر» چنان استادانه به کار می‌برده است که گزارش را شیرین‌تر می‌کرده است و مجموعه آنها می‌تواند برای نوجوانان و دانشجویان سرمشق باشد و سیر تطور زبان شیرین فارسی را نشان می‌دهد.

ثانیاً سالها قبل از اینکه برداشتن حجاب در

خلاصه‌ای از شاهنامه و رباعیات اصیل عمر خیام را منتشر نماید که هنوز مورد توجه و مراجعه علاقه‌مندان زبان شیرین فارسی است.

در این اواخر به گزارشهای سیاسی دکتر حسین قدیمی نوائی، کاردار دائم ایران در برن دسترسی پیدا کردم که از هر لحاظ واجد اهمیت است.

گزارشهایی که قدیمی به وزارت امور خارجه و دفتر مخصوص شاهنشاهی فرستاده است، در نیمه اول ۱۳۲۰ش. / ۱۹۴۱م. یا مقارن حمله آلمانها به شوروی است و با نگرانی‌ای که رضاشاه از سرنوشت جنگ جهانی دوم داشته است و هر روز انتظار اخبار تازه را می‌کشیده است، اهمیت این گزارشها بیش‌تر روشن می‌شود و حاکی از آن است که کاردار ایران با مقامات محلی در سطح بالا و هیئت نمایندگان سیاسی نه تنها رفت و آمد داشته، بلکه رشته مودت بینشان بوده که اخبار درست را به او اظهار دارند و اهمیت بیش‌تر از همه، گزارشی است که درباره فرار رودلف هس، رئیس حزب نازی و نفر دوم جمهوری آلمان در زمان هیتلر است که تک و تنها با یک هواپیمای کوچک به انگلستان پرواز کرد و گویا با چتر نجات فرود آمد. و غرض او، این بوده که انگلیسها را قانع سازد که دشمن واقعی آلمان و انگلیسها، استالین است که می‌خواهد مرام بلشویسم را در دنیا اشاعه دهد و در آینده، خطر بزرگی برای دنیا خواهد بود. اما متأسفانه افرادی که او در میان مجلس لردها می‌شناخت، نتوانستند چرچیل، نخست‌وزیر انگلستان را قانع سازند. شاید با اطمینانی که او از ورود امریکا به صحنه جنگ پیدا کرده بود، دشمن

اصلی به تشخیص او، هیتلر بود و احتمالاً شخصاً از هیتلر نفرت داشت.

به هر صورت، حسابهای هس غلط از آب درآمد و تا پایان جنگ جهانی دوم زندانی بود و در هنگام محاکمه جنایتکاران جنگی، در ردیف گورینگ نشسته بود. اما به قضاوت دادگاه، چون همان فرار به انگلستان، حسن نیت او را می‌رساند، محکوم به زندانی ابد گردید و شاید قریب چهل سال در زندان بود تا روز مرگش فرا رسید.

### نکات مهم در تهیه گزارش سیاسی :

۱- سفر در گزارش سیاسی - که از وقایع مهم تهیه می‌شود - ابتدا باید به تجزیه و تحلیل وقایع مهم پردازند. و در صورت اقتضا، رویدادهای بین‌المللی را نیز بررسی کنند. البته وقایع مهمی را از قبیل برکناری خروشچف در شوروی، مختصراً در تلگراف رمز یا کشف اطلاع دهند، بعداً به تجزیه و تحلیل آن واقعه و علل اساسی آن اشاره نمایند.

۲- نقل اخبار روزمره و شایعات تأیید نشده را، نمی‌توان گزارش نامید. سفیر یا کاردار، اولاً باید با مقامات محلی روابط دوستانه داشته باشد تا اخبار دست اول را به دست آورد. ثانیاً اخبار و مسموعات را، علاوه بر اینکه با اطلاعات مأموران امنیتی و نظامی خود مقایسه کنند و با تجربیات سیاسی - که دارند - بدون دلیل اظهار نظر صریح نمایند.

۳- سفر، می‌توانند در گوشه و کنار سالنهای پذیرائی سفارتخانه‌ها، به مطالب اساسی و مهمی پی‌برند و یا شایعاتی را که چند بار تکرار می‌شود، با واقعیت تطبیق کنند و اهمیت دهند.

بنابراین هرچه خسته باشند، نباید از شرکت در مهمانیهای خصوصی و عمومی پرهیز کنند. حاصل این رفت و آمدهای دوستانه است که پایه و اساس اغلب گزارشهای سیاسی مهم می‌شود.

۴- هر ۱۵ روز، اتفاقات و وقایع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و حتی مسائل نظامی را در حوزه محل مأموریت گزارش دهند. این گزارشها، باید براساس اطلاعات دقیق تنظیم شود و حتی نام منبعی را که خبر داده، افشا کنند تا به اهمیت موضوع بیفزایند. ولی اگر منبع خواهش کرده از او نام نبرند، به مرکز تأکید کند از به کار بردن منبع خبر خودداری نمایند تا در آینده مورد اطمینان واقع شود.

در گزارش سیاسی، مطلقاً از جملات مبهم شبیه «به طوری که شنیده می‌شود» و یا «به قرار اظهار منابع آگاه» و یا «براساس شایعات تأیید نشده»، استفاده نباید بشود. آن گزارشی واجد اهمیت خواهد بود که سفیر، رسماً اعلام نماید که با وزیر خارجه یا معاون او مذاکره کردم و نظر او در این مسئله چنین بود؛ و طبیعی است در این گونه مواقع، ملاحظه‌کاری را باید کنار گذارد و هیچ چیز بهتر از صراحت کلام نیست. البته مقامات مرکز هم نباید نام و نشان منبع خبر را افشا کنند. در این صورت، مقامات محلی در گفتن حقایق به سفیر، جنبه احتیاط را رعایت خواهند کرد و دو پهلو حرف می‌زنند.

این موضوع، یکی از ظرایف هنر دیپلماسی است. نکته مهم دیگر اینکه، اخبار روزنامه‌ها را چشم بسته نقل نکنند و اعتبار و وزن اجتماعی و سیاسی آن روزنامه را در نظر بگیرند و شخصیت

مدیران مجلات و روزنامه‌ها، خیلی اهمیت دارد. ۵- سفیر، موظف است وقایع آینده را حتی الامکان با دوراندیشی پیش‌بینی کند و اگر خلاف درآمد، با دلایل منطقی ثابت کند به چه دلیلی آن پیش‌بینی درست از آب درنیامد.

۶- باید توجه داشت که گزارشهای سیاسی تنها مربوط به حوزه مأموریت نیست، بلکه در این دهکده جهانی، ممکن است وقایعی در کشوری دورافتاده روی دهد که در کشور محل توقف تأثیر گذاشته باشد و آنقدر اهمیت داشته باشد که بیش‌تر رسانه‌های جمعی در اطراف آن بحث و گفتگو کنند. بنابراین، لزوماً نباید واقعه در حوزه مأموریت رخ دهد.

آقای مهران، در پایان سخن گفت: باید اضافه نمایم که جمع‌آوری گزارشهای سیاسی اهمیت دیگری دارد که نسل جوان ما را به نگارش صحیح در نشر فارسی آشنا می‌سازد و از این طریق هم، دانشجویان از خرمن ادب پارسی به نحو مطلوب خوشه‌چینی خواهند کرد.

سخنران، از سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران - که این فرصت را به او دادند تا درخصوص تهیه گزارش سیاسی برای اولین بار سخنرانی نماید - مراتب سپاس خود را بیان داشت.